

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۱۵ جون ۲۰۱۶

رهبران، فعالان و یاوران خلق - پرچم تنها کسانی اند، که باید جواب بدهند!

قسمت چهارم



بر طاق جبین این پنج عکس به المانی این عبارت نوشته شده است:

«محمد جواد طوفان اکرمی، پنج قطعه عکس جدید را ضمیمه ساخت - با شادروان رفیق ببرک کارمل.

ساعت ۲۳:۴۵ روز ۱۶ سپتمبر»

عکس های بالا، با نوشته زیر آن ها به رنگ آبی، بدون تردید جایی برای سوال باقی نمی گذارد، که چرا خانم "صالحه وهاب" درست زمانی که نگارنده این مقال مضمون "گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنچه هست گیرند" جناب داکتر صاحب "عبدالله کاظم" را به نقد گرفت، نوشته "داکتر سید عبدالله کاظم کیست؟" را در پورتال "افغان جرمن - آنلین" به نشر رسانید.

در سه تا از پنج عکس بالا **خانم صالحه وهاب** با شخصی به نام **محمد جواد طوفان اکرمی** یکی از هواداران سرسخت **ببرک کارمل**، رهبر شاخه پرچم حزب خلق و یکی از چهار سردمدار سفاک، خون آشام و وطن فروش به اصطلاح جمهوری دموکراتیک افغانستان، کسی که پیش از قتل "حفیظ الله امین" ذریعه هواپیمای نظامی از شوروی به افغانستان آورده شد و بعد از قتل "حفیظ الله امین"، که بنابر برنامه ای از قبل تدوین شده "کی. جی. بی" توسط نظامیان شوروی عملی شد، بر اریکه قدرت نصب گردید، به نظر می رسد. مردی که کلاه "قره قل" به سر دارد استاد این خانم، "هاشمیان" است که پشت و رویش پیدا نیست، یعنی سرش پیش ملا "محمد عمر" است و کونش نزد پیروان "کارمل".

خانم "وهاب" در سال ۱۹۸۹، تقریباً یک سال بعد از خروج ارتش شوروی از افغانستان، وقتی که پشت رژیم سفاک و پوشالی و دست نشاندۀ خالی شد و امید بقای آن از بین رفت و آن گاه که ترس به قدرت رسیدن مجاهدین و احتمال تصفیه حساب، دل های وطن فروشان، مانند وی و مانند موکل جناب داکتر صاحب "کاظم" را به لرزه در آورده بود، وطن را ترک نموده به هالند پناهنده شد. یکی از دلایل نوشته این خانم پیرامون زندگی، شخصیت و کار جناب داکتر صاحب "کاظم"، و در واقع دفاع از موکل جناب داکتر صاحب، این است که خود این خانم، که تمام سال های حاکمیت رژیم را در افغانستان مانده بود و با آن رژیم جابر و خونخوار و ضد ملی و دست نشاندۀ وابستگی و همکاری داشت، و تنها وقتی حاضر به خروج از کشور شد که امیدی برای بقای حزب منافور و عامل بیگانه به اصطلاح "وطن" که چیزی جز تغییر نام همان حزب بدنام "خلق-پرچم" نبود، باقی نمانده بود. گذشته از عکس هایی که وی در خانه و در کنار "محمد جواد طوفان اکرمی کارملی" گرفته است، حقیقت پرچمی بودن وی را اشتراک وی در محفلی به نام "شام آشنائی" که به تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۲ در کشور هالند دائر گردیده بود، به تمامی افشاء می کند.

در این محفل اشخاص زیادی اشتراک ورزیده بودند که من تنها هفت نفر شان را که تعلقات فکری سیاسی شان با **ببرک کارمل** ثابت است، می شناسم. اسمای آنانی را که در این محفل سخنرانی نمودند، شعر دکلمه کردند، سخن گفتند یا پیام های شان خوانده شد، در زیر ذکر می کنم، شاید کسانی غیر از آن هفت نفری را که من می شناسم، هم بشناسند:

فوزیه میترا ژورنالیست/ طارق پیکار/ ولی محمد شاپور/ غلام دستگیر هژبر/ کاوه جبران/ داکتر اسدالله شعور/ صالحه وهاب واصل/ عبدالله نایی/ کریمه شبرنگ/ داکتر مجاور احمد زیار/ ننگیالی بخری/ زمان انوری/ فرید طهماس/ نور احمد خالدي/ غوث الدین میر/ فریبا صادق آتش/ مریم عاکفی/ عظیم شهبال نوایی/ محمد عظیم ایوبزی/ مرگان ساغر شفا/ عفران بدخشانی/ کاوش زوبین/ سهراب عزیز/ تهمنه عاکفی/ بشیر مؤمن/ استاد عزیز آماج/ شفیع الله کاروز خاوری/ سلیمان راوش/ داکتر خلیل و داد/ احمد شاه جلال/ فاروق کارمند/ مشعل حریر/ نور وجوهات/ بشیر دژم/ بشیر عزیز/ عزیزه عنایت/ زمان الدین زمره/ عمر سلیم/ محمد ظاهر آشکار/ یاسین بیدار/ عنایت الله نبیل/ قادر مرادی/ سید نبیل شمیم/ فضل رحیم رحیم/ ضیا رهین/ مصطفی روزبه/ جمیله زمان انوری/ فرید سیاوش/ ناهید صدیق/ صمدی/ صدیق وفا/ سیده طلوع/ سهیلا زحمت/ زرغون پوپل/ اسماعیل جمشیدی/ داکتر آصف هوتکی/ بلقیس عظیمیار/ صفیه احمدی/ سینا عزیزی/ بصیر دهراد.

در این محفل خانم "صالحه وهاب" پیام داکتر "اسد الله شعور"، یکی از پرچمی شده های مشهور - بعد از افتضاحی که در زندان پلچرخ جمع آنها به وجود آوردند- را قرائت نمود. چرا ایشان؟؟ جواب آن روشن است؛ چون خود او از جمله پرچمی های شناخته شده و مهم و طرفدار "ببرک کارمل" است. فردی که پیام داکتر "اسد الله شعور" را می خواند، باید کم از کم دارای همان شأن حزبی باشد!

یکی از کسان دیگری که پیامش در این محل خوانده شد، شخصی به نام "عبدالله نایبی" رئیس "نهضت آینده افغانستان" شاخه ای منشعب از حزب پرچم بود. پیام "عبدالله نایبی" توسط "طارق پیکار" برگزار کننده این محفل قرائت شد. رابطه "عبدالله نایبی" با ح. د. خ. ا. را این سؤال محمد سالم "سپارتنک" و جوابی که "عبدالله نایبی" به وی ارائه داشته است به خوبی نشان می دهد:

- سؤال:

"آیا نهضت آینده ادامه دهنده راه و رسم ح. د. خ. ا. است که در دومین کنگره اش به حزب وطن مسمی شد؟"

جواب:

"نهضت آینده افغانستان به طور طبیعی آرمانها و وظایف بسر نارسیده ... ح. د. خ. ا. را به حیث آرمانها و وظایف خود مطرح کرده است و بر بنیاد آن خود را یک سازمان دموکراتیک و دگرگونساز معرفی می کند..."

- همین شخص به مناسبت دیگر، در یک گفت و گوی جداگانه می گوید:

"در آن هنگام که تحقق سیاست مصالحه ملی مطرح بود، ما گریه های با معنویت مسلط را به حیث ضرورت دوام زنده گی حزب مطرح کرده بودیم..."

- و اما در مورد تصفیه حساب اعمال گذشته حزبی که بدان تعلق داشت، می گوید:

"تصفیه حساب با کی: ... تصفیه حساب با پراتیک سیاسی گذشته مان و با کسانی که آن پراتیک را در رهبری جنبش تشخیص میبخشند و دیگر ظرفیت تحول تحمل دموکراتیک را ندارند، با همین صراحت مطرح می گردد. این طرز دید با هیچوجه نباید به مفهوم برخورد انتقام جویانه و کین توزانه در قبال این یا آن فرد مشخص درک شود. بل باید چنان شرایطی را فراهم کند تا حقایق در باره اندیشه ها، بینشها و پراتیک سیاسی شان آشکار گردد. تصفیه حساب در این عرصه، تشکل نوین نهضت مترقی را، با جلوگیری از تکرار اشتباهات نظری و عملی، نیرومندتر و سریع تر خواهد ساخت."

تصفیه برای چه؟: آنچه را که تا اکنون مطرح کردیم، تمام اهمیت تاریخی خود را در همین پرسش میباید. به راستی اگر هدفی در آنهمه تصفیه ها وجود نداشته باشد، ضرورت آن نیز چندان مفهوم نخواهد بود.

از سر گیری مبارزه دموکراتیک و دادخواهانه[!] مستلزم بازنگری بنیادی اندیشه و پراتیک گذشته جنبش مترقی و انقلابی افغانیست. این بازنگری بدون آن تصفیه حساب ها نا ممکن است!" - **نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال**

برای شناخت بیشتر و بهتر رابطه "عبدالله نایبی" با حزب پرچم تقاضا دارم به برش زیر هم نگاهی انداخته شود:

"اشتراک کنندگان در مراسم تدفین اناهیتا راتب زاد:

در این مراسم پدرودی نخست محترم **سلطانعلی کشتمند** صدراعظم پیشین افغانستان طی سخنرانی مبسوطی پیرامون شخصیت و سجایای عالی انسانی و کارنامه های درخشان داکتر راتب زاد در مبارزه برای رهایی زنان افغان از اسارت و ستم و جایگاه شایسته او در مبارزات حزب دموکراتیک خلق افغانستان روشنی انداخت که از سوی اشتراک کننده گان محفل به گرمی استقبال گردید. سپس **فرید احمد مزدک** وبه تعقیب آن **جمیله پلوشه**، **سهیلا شیرزی**، **سید طاهر شاه پیکارگر**، **محمد انور فرزام**، **داکتر عبدالله نایبی** رییس نهضت آینده افغانستان، **کاوه کارمل** رییس شورای

اروپایی حزب مردم افغانستان، یاسین بیدار معاون شورای مرکزی حزب متحد ملی افغانستان، عبدالواحد فیضی منشی اول کمیته فعالین حزب دموکراتیک خلق، بانو نسرین منصور به نماینده گی از شورای اروپایی زنان افغان، انجیلا یگامی شاعر، سهیلا حسرت نظمی رییس همایش زنان افغان در اروپا، داکتر شفیقه رزمنده، خانم شاهین دوستدار از دوستان ایرانی، پرستو مهریار، ذلیخا پوپل، نبی شوریده، عبدالواحد سادات و عبدالوکیل کوچی بیابنه ها، پیام ها، سخنرانی و سروده های شانرا پیرامون زنده گی، شخصیت، مبارزه و کارنامه های پرافتخار زنده یاد داکتر اناهیتا راتب زاد این اسطوره تاریخ معاصر افغانستان، رهبر افسانه ای نهضت زنان افغان و یکی از رهبران جنبش ملی، دموکراتیک و دادخواهانه مردم افغانستان ایراد کردند. - نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال

رابطه "اناهیتا راتب زاد" با "ببرک کارمل" از نظر هیچ انسانی که طی پنجاه و اندی سال در کشور، یا در خارج زندگی کرده و نظری هم به قضایای وطن داشته است، پنهان نیست. "کاوه کارمل" هم باید پسر ببرک کارمل باشد! برای یافتن سر این ریشه چرکین باید پرسید، که در محفلی که پیام اشخاصی مانند "شعور" و "عبدالله نایی" خوانده می شود، "صالحه وهاب واصل"، اگر با چنین انسان ها هم‌رزم و هم مسلک و همسنگر و هم‌نوا و هم‌کار نیست، چه کار داشت و برای چه اشتراک ورزیده بود؟

انسان هائی که در جنازه "اناهیتا راتب زاد" اشتراک می کنند، شعر می خوانند، سخنرانی می نمایند و اشک می ریزند، آه و ناله می کنند و جامه می درند، در محفلی که خانم "صالحه وهاب واصل" اشتراک می کند، اگر این خانم به حزب بدنام جنایت پیشه گان ارتباط نداشته باشد، چه کار دارد و چرا پیام وی قرائت می گردد؟

با کمی دقت دیده می شود که رابطه "اناهیتا راتب زاد"، "کاوه کارمل"، "بریالی"، "عبدالوکیل کوچی"، "عبدالله نایی"، "صالحه وهاب واصل"، موکل جناب داکتر صاحب "کاظم"، مرحوم "میرمحمد صدیق فرهنگ"، یکی از افراد بسیار نزدیک به جناب داکتر صاحب "کاظم" و احتمالاً رابطه خود داکتر صاحب با "کارمل"، یکی از عوامل عمده ای است که جناب داکتر صاحب "کاظم" را بر آن داشت تا خلاف شیوه معمول کار شان دست به عملی بزنند که به همه اعتبار شان صدمه وارد کند و خانم "صالحه وهاب واصل" با مسؤولیتی که در برابر رفقای حزبی خود دارد، با شتاب غیر قابل باور و بدون دلیل، درحالی که سوانح داکتر صاحب از سالیان درازی در کنار عکس شان در پورتال "افغان جرمن - آنلاین" موجود است، برای ترمیم این اشتباه، به نشر کارنامه های وی دست می یازد.

در این جا زنجیره ای را می بینیم که حلقه اول آن "کارمل" است و حلقه آخر آن بعد از موکل داکتر صاحب "کاظم" که سال ها در کنار "کارمل" نشسته و تصمیم گرفته و...، داکتر صاحب "کاظم"، خانم "صالحه وهاب واصل"، مرحوم "میرمحمد صدیق فرهنگ" می باشد.

در رابطه نزدیکی مرحوم "میرمحمد صدیق فرهنگ" با "ببرک کارمل" از روزهای اول پیدایش حزب "خلق-پرچم" تا آخرین روزهای اقتدار "ببرک کارمل" نوشته های زیادی موجود است. از همکاری آقای "فرهنگ" با "کارمل" در دوران اقتدار "کارمل" گذشته از آن که شخص "فرهنگ" نیز در کتابش به آن اذعان داشته است، چون زمان زیادی نمی گذرد، تقریباً همه مردم ما خبر دارند، اما از همکاری ها و نزدیکی های وی با "کارمل" در ابتدای پیدایش حزب "خلق-پرچم" باوجودی که تقریباً همه مردم از آن اطلاع دارند، تنها یک نوشته را می خواهم به مثابه یک نمونه ارائه کنم. این نوشته که در صفحه ۱۰۷ کتاب "سیر حرکت جنبش روشنفکری در افغانستان"، نوشته شده توسط آقای "میر محمد یعقوب مشعوف"، آمده است، به شرح زیر می باشد:

"میرمحمد صدیق فرهنگ با عضویت نور محمد تره کی در کمیته متذکره [منظور کمیته تدارکات حزب خلق است] اختلاف نظر داشت پس از چند جلسه از شرکت در آن ابا ورزید ولی مناسبات خویش را با ببرک حفظ نمود." - **نقل قول** **ویراستاری نشده است - پورتال**

چنانچه مشاهده نمودید، همفکری و همنوایی و همکاری مرحوم آقای "میر محمد صدیق فرهنگ" به انواع مختلف تا آخرین روز هائی که "کارمل" بر سر اقتدار بود، ادامه پیدا کرد. بنابراین حدس آن دوست عزیز که شاید یکی از دلایل دفاع جناب داکتر صاحب "عبدالله کاظم" از موکل شان، به طور غیرمستقیم برائت دادن آقای "میر محمد صدیق فرهنگ" که یکی از اقارب بسیار نزدیک خود شان است، به دلیل همکاری عملی مرحوم "میر محمد صدیق فرهنگ" در مقام مشاوریت با "کارمل" در دوران سلطه رژیم کودتای هفت ثور و حضور ارتش سرخ در کشور ما، باشد! خدمات مرحوم "فرهنگ" در عرصه های قلم، مخصوصاً تاریخ و فرهنگ غیر قابل فراموشی است، اما نقشی که او در دوران خون و آتش و خیانت، زمانی که مملکت در اشغال شوروی بود و حکومت دست نشاندۀ شوروی دمار از روزگار مردم در آورده بود، با همه کار و کوشش مرحوم "فرهنگ" در راه مشروطیت، آزادیخواهی و تاریخ نویسی، موضوعی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت، مانند همکاری های موکل جناب داکتر صاحب با آن سیستم جهنمی - حیوانی!

و اما در مورد ایام بندی گری جناب داکتر صاحب "کاظم" قسمی که نگارنده اطلاع دارد، ایشان در دوران "تره کی"، آنگاه که بسیاری از پرچمی ها یا هواداران شان مورد غضب "تره کی - امین" قرار گرفتند، زندانی شدند و در دوران "ببرک کارمل"، وقتی که به اصطلاح عفو عمومی اعلام شد و قصد از آن عمدتاً آزاد ساختن پرچمی ها و هواداران شان از زندان بود، آزاد شدند؛ مانند مرحوم دکتور "احمد جاوید زیار" که بعد از به اصطلاح تحول هفت ثور، یعنی در دوران "تره کی - امین" روانه زندان شد، ولی بعد از هجوم روس ها به افغانستان و به قدرت رسیدن "ببرک کارمل" از زندان آزاد گردید و به حیث عضو کمیسیون احیای موزیم ملی و همزمان عضو کمیته نظارت و کنترل نشرات رادیو - تلویزیون و اخبار و جراید مقرر شدند (یکی از حساس ترین وظایف در آن دوران که تنها به انسان های خاص و مورد اعتماد تفویض می گردید...) و تنها وقتی وطن را ترک گفت که "نجیب" سقوط کرد و رهبران مجاهدین قدرت را به دست گرفتند.

انتخاب داکتر صاحب به صفت آمر نمایندگی بانگ در لندن هم به دو دلیل می تواند صورت گرفته باشد: یکی ارتباطات خودش با حزب پرچم و یا پرچمی ها؛ در غیر آن به مشکل می توان باور کرد که این اعتماد بدون داشتن رابطه ممکن بوده باشد، و دیگری) همانا رابطه ای که ایشان با مرحوم "میر محمد صدیق فرهنگ" داشتند؛ که یکی از رفقای قدیمی "کارمل" بودند!

نشر کتاب "حسن شرق" توسط خانم "صالحه وهاب" نیز نمی تواند بدون تمایل این خانم به سابقه "حسن شرق" که یکی از هواداران "حزب دموکرات خلق" و منابع قابل اعتماد "کی. جی. بی." بود، باشد. "دستگیر پنجشیری" در مقاله چهار شخصیت مسخ شده...، سایت "بازتاب حقیقت" نوشته می کند:

"سردار محمد داود، بعد از تصرف و تمرکز قدرت و سرکوب خونین میوندوال و یارانش، سازمانهای بنیادگرای اسلامی و دیگر محافظه کاران و همچنان گرفتاری رهبران سازا به بدعت تاریخی اشراف منشانه دیگری نیز پرداخت. عبدالحمید محتاط، پاچا گل وفادار، فیض محمد شهید، داکتر حسن شرق، اسدالله سروری، عبدالقادر هراتی، محمد اکبر مقصودی و دیگر نردبانها و زینه های که او را به اوج قدرت رسانیده بودند یکی بعد دیگر از مقامات کلیدی دولت و از

اردو برکنار، بی نقش، نظربند و بنام سفیر بخارج تبعید کرد. و اسباب زوال خود را خود بدست خود زیر فشار جناح راستگرای دولت مهیا ساخت... - **نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال**

آوردن اسم **حسن شرق** در میان اسمای تمام افرادی که عضویت "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" را داشتند، بدون تردید سندی است برای عضویت، همکاری و یا حسن نظر **حسن شرق** نسبت به آن حزب و نسبت به رژیم کودتای هفت ثور.

در مورد "حسن شرق" نظریات دیگری هم وجود دارد مبنی بر ارتباط علنی و سری وی با "کارمل"؛ که ذیلاً از نوشته ای به قلم "شاه محمود مستمند" نقل می گردد:

"محترم میر محمد صدیق فرهنگ نویسنده کتاب وزین ، افغانستان در پنج قرن اخیر در صفحه ۶۶۴ چنین مینگارد که: « در این هنگام جمعیت نیمه سری و نیمه علنی دیگری هم به عنوان اتحادیه آزادی پشتونستان پی ریزی شد که رهبری ظاهری آن غلام حیدرخان عدالت، اما بنیانگذار واقعی آن محمد داودخان بود. این جمعیت که یک نفر از محصلان فاکولته حقوق به نام ببرک (ببرک کارمل) نیز در آن فعالیت داشت، در ظاهر به نام کمک به داعیه ی پشتونستان که بامرام ناسیونالیستی افراطی تشکیل شده بود، اما در واقع برای به قدرت رساندن محمد داود خان کار میکرد. در سال ۱۳۵۱ یک نفر از اعضای این جمعیت بنام حسن شرق، دوکتور محمودی را که در شورا علیه محمد داود خان سخنرانی نموده بود، اختطاف کرده و می خواست از بین ببرد، اما موفق نشد و محمودی نجات یافت.» - **نقل قول**

ویراستاری نشده است- پورتال

علاوه بر این موصوف می نگارد:

"میر محمد صدیق فرهنگ در کتاب معروف شان افغانستان در پنج قرن در صفحه ۱۲۹ مینگارد که: نعمت الله پژواک، محمد خان جلالر و محمد حسن شرق را از هواداران و نزدیکان مخفی به جناح پرچم و مقامات شوروی می خواند: «... دوتن دیگر حسن شرق و نعمت الله پژواک ادعای غیر وابستگی داشتند، اما بعداً معلوم شد که با سازمان پرچم و با مقامات شوروی رابطه ی نهانی داشتند. همچنان جلالر که چندی بعد به کابینه پیوست.» (۱۱۶) -

نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال

همچنان؛ در اینمورد ق. غوربندی در صفحه ۳۱ نگاهی به "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" چنین می نگارد: حسن شرق که در جوانی هنگامیکه در کلپ ملی عضو بود تلاش نمود تا شخصیت محبوب و رهبر پر آوازه و دلسوز مردم کابل مرحوم داکتر محمودی را اختطاف و سر به نیست نماید. در سالهای ۱۳۳۰ در قلم مخصوص صدارت بوسیله ضبط احوالات امنیت و مصونیت را از مردم سلب کند. در سالهای چهل چون عنکبوت دام گسترده و انتظار کشید. در سالهای شصت بعد از هجوم و اشغال کشور ذریعه شوروی به کرسیهای سفارت، وزارت و صدارت برسد. از رهبری شوروی طلب کنار رفتن رهبری حزب را نماید و ادامه ایفای وظایف همیشگی خود نام عده را به رهبری و استخبارات شوروی که میخواست علیه داکتر نجیب الله کودتا نماید، بدهد. - **نقل قول ویراستاری نشده است - پورتال**

هموطنان گرامی! کسی که در جوانی شوقی تروریزم باشد، در اواسط عمر، شوقی جاه و جلال به قیمت سوداگری بر سر خاک و ننگ و ناموس باشد و در پیری دروغگوی مشهور و جعل کار ماهر باشد، چه توقع باید از وی شود که حقایق را بیان بکند تا گناه کبیره شان به صغیره مبدل شود و از مردم کشور باید معذرت بخواهند تا آنان وی را ببخشند. همچنان؛ محترم پوهنمل جمعه نوپرور نویسنده کتاب از "موج تا توفان" در صفحه ۹۱ چنین می نگارد:

"محمد حسن شرق از ولسوالی انار دره ولایت فراه میباشد... واقعیت انکار ناپذیر است که حسن شرق از جمله پرچمیهای نمک حلال کارمل بود. - **نقل قول ویراستاری نشده است - پورتال** و باید مردم به "تقدیر آن جادوگر" و به

"بیماری مرموز" حسن شرق پی ببرند. و این حقیقت روشن است که حسن شرق از جمله پرچمی های مخفی بوده است، قبول نماید. موصوف از قول عبدالقدوس غوربندی نویسنده کتاب وزین "نگاهی به تاریخ حزب دموکراتیک خلق افغانستان" می نویسد که: همه پرچمیها میگفتند که اکنون تشنگی سیاسی ما رفع گردیده است. وی با احساس مسوولیت نگاشته است که آقای حسن شرق و فیض محمد هر دو نسبت حساسیت وظیفوی شان به حیث اعضای

مخفی و در ارتباط انفرادی پرچم قرار داشتند." - نقل قول ویراستاری نشده است -پورتال

خوانندگان این نوشته با کمی دقت روی همه آنچه طی این مقاله نقل شده است در خواهند یافت که خانم "صالحه وهاب واصل" کیست؛ و روی چه منظور و هدفی از جناب داکتر صاحب "کاظم" و موکل شان که عملاً در تمام جنایات شورای انقلابی که در آن عضویت داشته شریک بوده است، به دفاع برخاسته است و با چه رابطه و حسن نیتی کتاب داکتر "حسن شرق" را در پورتال "افغان جرمن آنلین" به نشر می رساند!!

همین طور چرا این پورتال "باری جهانی" را از روزی که خانم "صالحه وهاب" به پورتال "افغان جرمن -آنلین" راه پیدا کرده است، چنان به عرش معلا بالا برده است؟

قرار نوشته سایت "لر و بر" خیال محمد کتوازی در دوران اقامتش در هالند در یک گردهمایی باری جهانی را یکی از رفقای حزبی، از دورانی که یک جا در دانشگاه درس می خواندند، خوانده از او تمجید و ستایش نموده است.

ادامه دارد

منابع:

عکس ها از قسمت پنجم نوشته "خطاب به هشمیان: لعنة الله على الكاذبين" آقای خلیل الله معروفی.

کابل پرس.

جوانان بیدار.

اخبار افغانستان.

تصویر افغانستان. کام.

سایت "لر و بر".

سایت "وطن یا کفن".

شاه محمود مستمند، گوگل.

کتاب "سیر حرکت جنبش روشنفکری در افغانستان"، نوشته "میر محمد یعقوب مشعوف".

نوت:

این نوشته را به تاریخ ۲۰۱۶/۶/۹ شروع نموده بودم، اما نسبت به بعضی مصروفیت های غیر قابل پیش بینی نتوانستم آن را در همان روز به پایان برسانم. امید است دوستان تأخیر چند روزه این قسمت را بر من زیاد سخت نگیرند.